

تست دوازدهم (۱)

۱- « لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَافَهُمُ الْمُكَسَّرَةَ تَهَاوَسُوا: يَا لَيْتَنَا مَا خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِينَةِ! » :

(۱) مردم زمانی که دیدند بت‌هایشان شکسته شده با یکدیگر پیچ‌پیچ کردند: کاش از شهر خارج نمی‌شدیم!

(۲) در این زمان مردم بت‌های شکسته شده را دیدند، پس پیچ‌پیچ کردند: ای کاش به خارج شهر نمی‌رفتیم!

(۳) زمانی که مردم بت‌های شکسته شده‌شان را دیدند، پیچ‌پیچ کردند: ای کاش از شهر خارج نشده بودیم!

(۴) وقتی مردم دیدند بت‌هایشان شکسته شده است، پیچ‌پیچ‌کنان گفتند: کاش به بیرون شهر نرفته بودیم!

۲- « لَيْتَ التَّارِيخِ كَانَ لَهُ لِسَانٌ حَتَّى يُحَدِّثَنَا عَنْ صِرَاعِ الْمَظْلُومِينَ الدَّائِمِيِّ مَعَ الظَّالِمِينَ! » :

(۱) ای کاش تاریخ را زبانی بود تا از کشمکش سراسری ستم‌دیدگان با ستمگران سخن بگوید!

(۲) شاید اگر تاریخ زبان داشت، از مبارزه طولانی ستم‌دیدگان با ستمگران با ما سخن می‌گفت!

(۳) ای کاش تاریخ زبانی داشت تا با ما از نزاع همیشگی ستم‌دیدگان با ستمگران سخن بگوید!

(۴) کاش تاریخ زبان داشته باشد تا از مبارزه بی‌وقفه ستم‌دیدگان و ستمگران سخن بگوید!

۳- « لَا خَيْرَ فِي وَدِّ شَخْصٍ يَجْرُكُ إِلَى الضَّلَالَةِ بِأَعْمَالِهِ الْقَبِيحَةِ! » :

(۱) در دوستی با کسی که با اعمال زشت تو را به گمراهی می‌کشاند، خیری نمی‌یابی!

(۲) در دوستی با شخصی که کارهای زشتش باعث کشانده شدن تو به تباهی می‌شود، خیری نیست!

(۳) هیچ خیری در دوستی با کسی که با اعمال زشتش تو را به گمراهی می‌کشاند، نیست!

(۴) دوستی با کسی که تو را با کارهای زشت به تباهی می‌کشاند، خیری به تو نمی‌رساند!

۴- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) النَّاسُ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) هُوَ الْفَاعِلُ: مردم گمان کردند که ابراهیم (ع) همان انجام‌دهنده است،

(۲) فَأَحْضَرُوهُ حَتَّى يُحَاكَمَ فَسَأَلُوهُ: پس او را آوردند تا محاکمه شود و از او پرسیدند،

(۳) أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَتْنَا يَا إِبْرَاهِيمُ؟ ای ابراهیم، آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟

(۴) فَأَجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي، إِسْأَلُوا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ!: پس به آن‌ها پاسخ داد: از من نپرسید از بت بزرگ پرسید!

۵- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) كَأَنَّ هَذَا الرَّجُلَ لَا يَشْبَعُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ!: گویا این مرد از طلب دانش سیر نمی‌شود!

(۲) (قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ): گفت همانا من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید!

(۳) (يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا): شاید که من از خاک بوده‌ام!

(۴) لَعَلَّ الْمَذْنِبَ يَتُوبُ إِلَى رَبِّهِ الْحَنُونِ!: امید است گناهکار به پروردگار مهربانش توبه کند!

۶- « أُصِيبَتِ الشُّعُوبُ الْمُخْتَلِفَةُ فِي دِينِهِمْ بِالْخِرَافَاتِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ » :

(۱) در گذر زمان دین ملت‌های مختلف به خرافه‌هایی آمیخته شد!

(۲) ملل مختلفی دین‌هایشان به خرافه‌هایی در طول زمانها آمیخته گردید!

(۳) با گذشت عصرها، ملت‌های مختلف در دین خود دچار خرافات شدند!

(۴) ملت‌های گوناگونی در دین خود با گذر زمان دچار خرافه گردیدند!

۷- « كَاشَ هَمَّهِ شَهْرَهَايْ كُشُورَم رَا مِي دِيدَم » :

(۱) لعنني أشاهدُ مُدُنَ بِلَادِي جَمِيعاً!

(۲) ليتني أنظرُ كلَّ المُدُنِ فِي بِلَادِي!

(۳) لعنني كنتُ أنظرُ مُدُنَ بِلَادِي كُلِّهَا!

(۴) ليتني كنتُ أشاهدُ جميعَ مُدُنِ بِلَادِي!

۸- عَيْنُ الصَّحِيحِ :

(۱) إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمَّ وِ لِأَبٍ! : مردم همگی از يك پدر و مادر هستند!

(۲) إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ! : همانا افتخار تنها برای خردمند ثابت قدم است!

(۳) هَذَا طَعَامٌ لَمْ يُذَكَّرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ! : این غذایی است که نام خدا بر آن ذکر نشده است!

(۴) كَأَنَّهُ دَاءٌ لَا بَرَكَهَ فِيهِ! : مانند بیماری است و برکتی ندارد!

۹- عَيْنُ الْخَطَا :

(۱) اجعل اليوم سعيداً و كثير البركات! : امروز را خوش اقبال و پر برکت قرار بده!

(۲) و املأ صدري أنشراحاً و فمي بالبسمات! : و سينه‌ام را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن!

(۳) و أعني في دروسي و أداء الواجبات! : و مرا در درسم و انجام تکلیفم یاری کن!

(۴) و أزر عقلي و قلبي بالعلوم النافعات! : و عقل و قلب مرا با علوم سودمند نورانی کن!

۱۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيْبِ : « نقشه‌ای دارم که هیچ کس نمی تواند به آن پی ببرد! » :

(۱) كانت عندي حُطَّةٌ فَلَا يَقْدِرُ أَحَدٌ عَلَيَّ إِدْرَاكُهَا!

(۲) لي حُطَّةٌ لَا أَحَدٌ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَفْطِنَهَا!

(۳) عندي حُطَّةٌ فَلَا يُمْكِنُ لِأَحَدٍ أَنْ يَدْرِكَهَا!

(۴) لي حُطَّةٌ فِي ذَهْنِي لَا أَظُنُّ يَفْطِنَهَا أَحَدٌ!

۱۱- « هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مانند ادب نیست! » :

(۱) لا فقير الجاهل و لا ميراث كالأدب!

(۲) لا فقر كالجهل و لا ميراث كالأدب! لا فقراً

(۳) لا الجهل و لا إراثاً كالأدب!

(۴) ليس فقر كالجهل و ليس ميراث كالأدب!

۱۲- عَيْنُ الْخَطَا :

(۱) لِمَ تَسْأَلُنَهُنَّ، إِسْأَلْنَ الْأَصْنَامَ! : از آنها سؤال نکنید، از بت‌ها سؤال کنید!

(۲) (إِنَّ اللَّهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) : بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند!

(۳) لَيْتَ صَدِيقِي يَنْجِحُ فِي الْمُسَابَقَةِ! : ای کاش دوستم در مسابقه پیروز شود!

(۴) (فَاذْكُرُونِي، أَذْكَرْكُمْ) : پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنیم!

۱۳- « كان الله قد أرسل أنبياءه إلى الناس ليُبينوا صراط الله المستقيم و الدين الحق! » :

- ۱) خداوند، پیامبرانش را به سوی مردم فرستاده است تا راه راست خدا و دین حق روشن شوند!
 - ۲) پروردگار ما پیامبرانش را برای مردمان فرستاده بود تا راه مستقیم او و دین حقیقی را توضیح دهند!
 - ۳) خداوند پیامبرانش را به سوی مردم فرستاده بود تا راه راست خدا و دین حق را روشن کنند!
 - ۴) پروردگار، پیامبران را بسوی بشر فرستاده است تا راه راست او و دین حقش را توضیح دهند!
- ۱۴- « أقم وجهك للدين حنيفاً و لا تكوننَّ من المشركين » :

- ۱) یکتاپرست به دین روی آور و از مشرکان نباش!
 - ۲) با یکتاپرستی به دین روی آور و هرگز از مشرکان نباش!
 - ۳) در حالی که یکتاپرست هستی به دین روی آور و از مشرکان نباش!
 - ۴) با یکتاپرستی به دین روی آور و هرگز مشرک نباش!
- ۱۵- « لا دين للمتولون و إن ألقاك في الخطأ و تظاهر بكمال ديانتة! » :

- ۱) کسی که چند رنگ است دینی ندارد حتی اگر به بی نقصی خود تظاهر کند و تو را به اشتباه بیفکند!
 - ۲) هیچ دینی ندارد آن کسی که دو رنگ است و به کمال دینداری اش تظاهر کرده و باعث اشتباه تو شود!
 - ۳) انسان دورو هیچ دینی ندارد، اگرچه تو را به اشتباه بیفکند و به کامل بودن دیانتش تظاهر کند!
 - ۴) آن که دورو است دین ندارد، هرچند ظاهری با دین و بی نقص نشان دهد و تو را به خطا اندازد!
- ۱۶- عَيْنِ الصَّحِيح :

- ۱) هیچ دگرگونی در سنت‌های الهی نیست! : لا تبدیل للسنن الإلهية!
 - ۲) هیچ ارزشی برای علم بی عمل نیست! : لا قيم لعلوم ليس له عمل!
 - ۳) هیچ یاسی در دل بنده صالح راه ندارد! : لا ينفذ اليأس في قلب العبد الصالح أبداً!
 - ۴) هیچ عاقلی را نمی شناسم که از تجارب عبرت نگیرد! : لا أعرف العاقل لم يعتبر بالتجارب!
- ۱۷- عَيْنِ الخَطَأ في المفهوم :

- ۱) (هل يستوي الذين يعلمون و الذين لا يعلمون) : التشجيع على طلب العلم!
- ۲) لا شيء أحق بالسجن من اللسان! : التشجيع على السكوت!
- ۳) لا فقر أشد من الجهل! : التشجيع على طلب المال!
- ۴) لا دين لمن لا عهد له! : التشجيع على الوفاء بالعهود!

۱۸- عَيْنِ الجواب الذي كل كلماته من الحروف المشبهة بالفعل :

- ۱) إِنْ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ ، كَأَنَّ
- ۲) لَكِنْ ، أَنْ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ
- ۳) إِنْ ، أَنْ ، كَأَنَّ ، لَيْتَ
- ۴) أَنْ ، لَكِنْ ، لَيْتَ ، لَعَلَّ

١٩- عَيَّن الخَطَأَ لتكميل الفراغات:

- (١) (قل . . . الله قادر على . . . ينزل آية) : إنَّ - أنَّ
 - (٢) . . . تُحسِن إلي والديك فاعلم . . . أجرِك علي الله! : إنَّ - أنَّ
 - (٣) . . . الَّذِينَ آمنوا يجب عليهم . . . يصلُّوا خمس مرَّات في اليوم! : إنَّ - أنَّ
 - (٤) هل تصدِّق . . . الدلافين تستطيع . . . ترشدنا إلي مكان غرق السفن؟ : أنَّ - أنَّ
- ٢٠- عَيَّن الخَطَأَ في استخدام الحروف :

- (١) (هذا يوم البعث و . . . كم لا تعلمون) : لكنَّ
 - (٢) . . . إيمان مع سوء الظنَّ : لعلَّ
 - (٣) (أو لم تعلموا . . . الله يبسط الرِّزق لمن يشاء) : أنَّ
 - (٤) (قالت الأعرابِ آمنا قل لم تؤمنوا و . . . قولوا أسلمنا) : لكنَّ
- ٢١- عَيَّن ما فيه حرفاً يدلُّ على « الرجاء » :

- (١) (لا يسخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيراً منهم)
 - (٢) (إذا قرئ القرآن فاستمعوا له وأنصتوا لعلَّكم ترحمون)
 - (٣) يا عزيزاتي، أرجو لكنَّ التوفيق و النَّجاح في طريق حياتكنَّ!
 - (٤) يا ليت هؤلاء الأحبَّة لم يتركوني في صعوبات حياتي!
- ٢٢- في أيِّ جملةٍ تأكيدٌ؟

- (١) كان محمَّد فرحاً كأنَّه قد نجح في الامتحان!
 - (٢) لا نقول كلمةً لأنَّنا لا نعرف شيئاً عن الموضوع!
 - (٣) في مدرستنا أحد عشر صفّاً و لكلِّ صفٍّ مفتاح واحد! (٤) قال أبي بهدوءٍ : إنَّ الله عالمٌ بأحوال المؤمنين!
- ٢٣- في أيِّ عبارة جاء (لا) النافية للجنس :

- (١) لا معلَّم في هذه الصفوف يا صديقي!
 - (٢) لا تترك أصدقاءنا في الشدائد!
 - (٣) أريدُ هذا الكتابَ لا ذلك!
 - (٤) طلب أبي أن لا أعمل إلا خيراً!
- ٢٤- عَيَّن حرفاً يبيِّنُ المشابهةَ :

- (١) ليت المسلمين متحدون لعلَّهم يغلبون علي الأعداء!
 - (٢) قال الرِّسولُ (ص) : إنَّ الحسين مصباح الهدى و سفينة النَّجاة!
 - (٣) كأنَّ كلامَ الأنبياء مصباحٌ يضيءُ طرقنا!
 - (٤) الشيطانُ يسعى أن يضلَّ الإنسانَ عن طريق الهدية و كان الشيطانُ للإنسانِ خذولاً!
- ٢٥- في أيِّ عبارة ما جاءت « لا » النافية للجنس!

- (١) لا سيفٌ أقطع من الحقِّ!
- (٢) لا تكلم بما لا علم به في الحياة!
- (٣) لا وحدةٌ أو حشٌّ من العجب!
- (٤) (لا يتخذ المؤمنون الكافرين أولياء)